

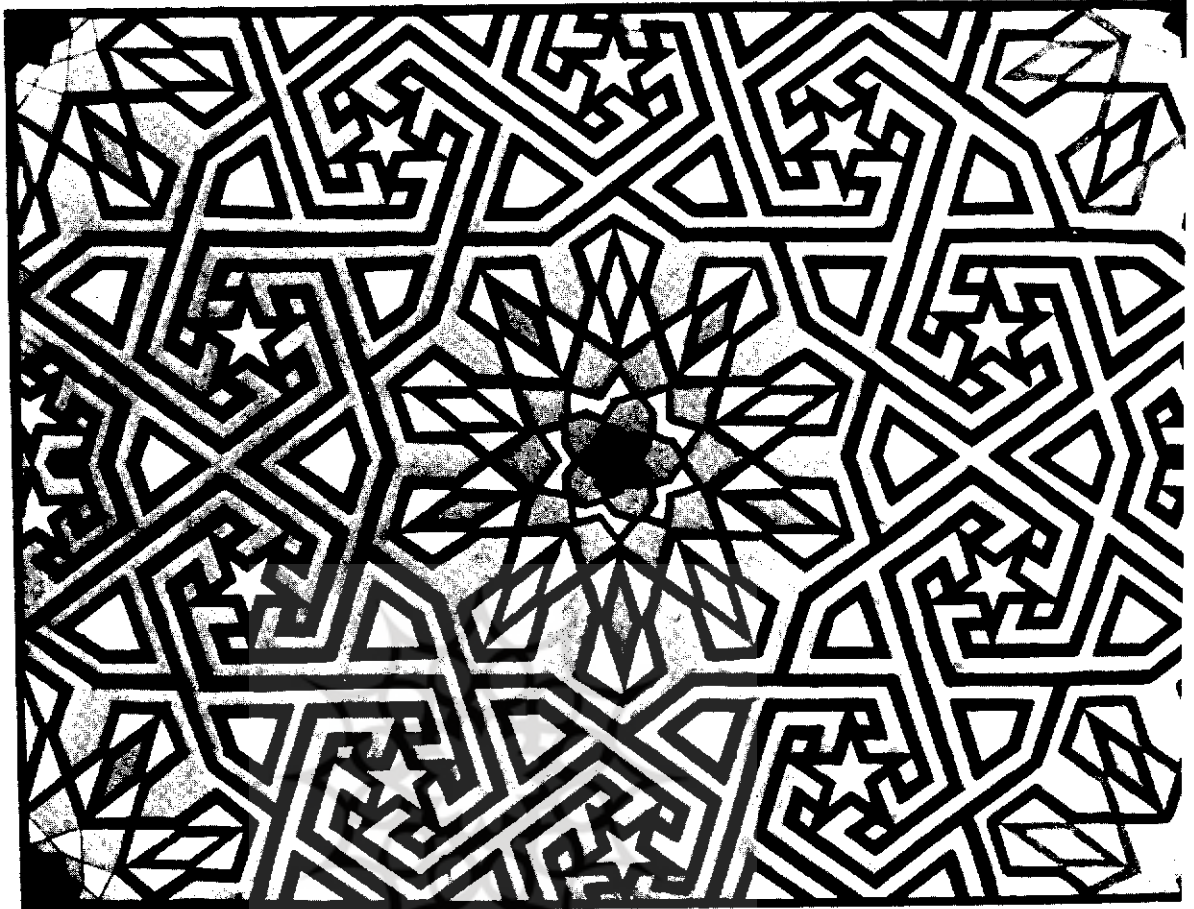


سیری در زندگی و آثار
کلارا آبکار،
بانوی هنرمند عرصه نگارگری ایران

گوشه نشین خلوت هنر

هنرمندانه اش، براستی دشوار می نمود؛ چرا که زبان کلمات هرگز نخواستند تن به توجیه شرمسارانه دست کم، بیست سال کوتاهی در انجام وظیفه فرهنگی، (بازشناسی و معرفی)، یک هنرمند بدهند. و امروز بی هیچ تعبیر و تفسیر، ناچاریم خود و خودمان را در گمنامی و عزلت گزینی این عاشقان سینه چاک هنرهای سنتی و اسلامی ایران، دخیل بدانیم؛ هر چند این خلوت نشینی دور از هیاهو و قیل و قال مادی، همان رمز و رازی باشد که این آهوی گریزان از شهرت و آوازه را، در دشت سرسبز و شاداب هنرهای ایرانی، به بند سلیمی ها و ختائی ها، و نقش گره، کشانده باشد؛ بندهای افسونی که به تاریخ هنر این سرزمین کهن تا به

نامش را چند بار از دهان خاطرات گنگ و مبهم رهگذران هنرمند بخاطر سپرده بودم. چندان اصرار نداشتند و نداشتم که او را بیشتر بشناسم؛ گرچه از هنرش تصویر مبهمی بدروازه ذهن آویخته بودم. می گفتند در کنار گلستان و بوستانی از «مینیاتور و تذهیب»، روزگار میگذرانند و تار و پودش در گرو گره هایی است، که ترسیمشان را در مکتب زنده یاد، استاد حسین کاشی تراش، هنرمند سرآمد «نقش گره»، آن ایام آموخته. گره هایی که تارهای وجود او را به هنر سنتی این آب و خاک پیوند زده اند. راه یافتن بدنای سکوت و پرمعنای این دلباخته و شیدای راستین و صادق هنرهای سنتی، و بیان احساس



نقش گره

شکوفه‌های خوش رنگ سیب و بادام تابلوی «شیخ
صنعان و دختر ترسا» بخشیده، و ذوق و ظرافت زنانه را
در هنر، تقدیم چشم اندازهای دلفریب مینیاتورهای
«خسرو شیرین - دختر قالی باف، یوسف و زلیخا و...
نموده است.

او در آثارش چنان پرتو گرم و روشنی از رنگها باقی
گذاشته که گویی فروغ جاودان هنر نگارگری را در عصر
کنونی، آبرو و اعتباری دیگر ارزانی داشته؛ هنرمندی
که به عمق معنای هنر فکر می‌کند، امروز در کنار
خاطرات تلخ و شیرین روزگار به روزهایی می‌اندیشد
که در کسوت هنرآموز هنرستان نسوان (بانوان)، اوراق
زرین و پرنقش و نگار و افتخار آفرین تاریخ هنر این

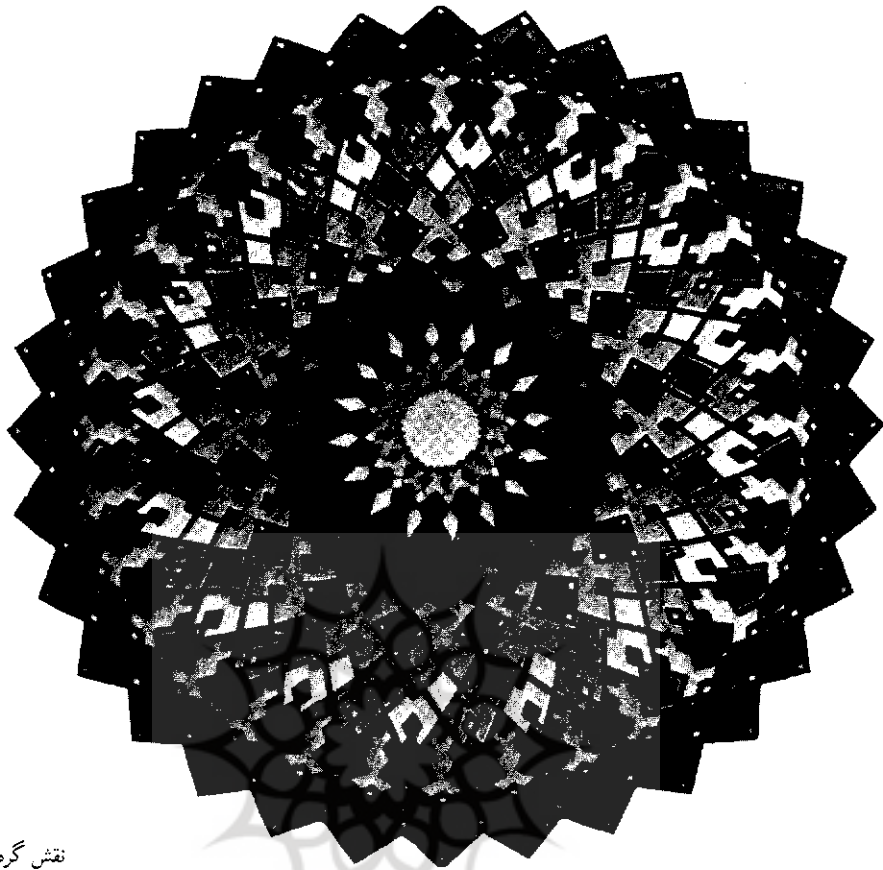
امروز راز جاودانگی جادویی بخشیده، و معمای پویایی
و بالندگی هنر ایران را در اعصار گوناگون به اسطوره
مبدل ساخته‌اند.

وقتی دو سال پیش برای اولین مرتبه، به یاری
دوستان، فرصت دیداری کوتاه از دنیای پرنقش و نگار و
رنگین تخیلات عارفانه این باغبان سالخورده، گلستان
همیشه شاداب هنرهای تزئینی ایران، دست داد،
نتوانستم در برابر آنهمه عظمت روح و اندیشه این زن
براستی پاسدار صادق نقوش و نگاره‌ها و عناصر هنر
ناب و خالص ایرانی، بی تفاوت بمانم؛ زنی با کوله بار
سنگینی از صداقت و پاکی که تمامی زندگی را در
هنرش یافته، رویاهای شیرین جوانی را به گلبرگ



پروپشہادہ علوم انسانی و مطالعات
سنتال جامع علوم انسانی

مینیا تور «داستان پیرزن و سلطان سنجر»



نقش گره دایره شکل

ثبت رساننده باشد. بانوی هنرمند در این باره می‌گوید: «نوعی از نقوش گره را در کتابهای هنری ارائه دیده بودم. وقتی در مسیر طولانی دوران هنری به استاد عالیقدر، حسین کاشی‌تراش، با آنهمه نبوغ در این رشته، آشنا شدم، حیفم آمد که از دریای معرفتش قطره‌ای برنگیرم. و بدین ترتیب در نزد ایشان شروع به آموختن هنر گره چینی یا گره‌سازی نمودم که الحق کاری بس مشکل و وقت گیر بود».

حاصل کار و تلاش خانم آبکار در زمینه «گره چینی»، طرح و ترسیم ده‌ها «نقش گره و گره‌سازی» است که برخی از آنها رنگ آمیزی شده و تعدادی بصورت مدادی باقیمانده‌اند. یکی از آثار زیبا و دیدنی

مملکت را یار و یاور بوده است؛ به سالهای ۱۳۲۰-۱۳۱۷ شمسی که در مکتب استادان بزرگوارش، شادروان هادیخان تجویدی مینیاتورست بزرگ و ارزنده عصر حاضر و مرحوم میرزا علی درودی، مذهب زبده زمانه به کسب فن و تجربه در هنر نشست بود؛ در اندیشه روزهایی که در کنار دست استاد حسین، رسم گره یا گره‌سازی و گره چینی را (که طرح پیچیده و دقیقی، همچون «رسم فنی» بوده و از ظرایف و دقایق بسیار حکایت دارد) می‌آموخت تا از معدود زنان و مردان هنرمندی باشد که تا بدین پایه در فراگیری این هنر روبه زوال و فراموشی همت گماشته و نام خود را در فهرست استادان نادر این رشته از هنر ناب سنتی - اسلامی به



میناتور «داستان نوشیروان و بزرگمهر و گفتگوی دو جغد»

او از این مجموعه در آلبوم شماره یک «گنج نور»، به چاپ رسیده، که ترکیب بسیار خوش آیند و جا افتاده‌ای از «نقش گره و تذهیب» است.

وقتی به اصرار، دفتر کهنه خاطرانش را ورق می‌زند و لب به سخن می‌گشاید، قامت بلند کلام این ساده دل عاشق هنر، صداقت آب و آینه را میماند که در جویبار هنر و زندگی بهم پیوسته‌اند. او در کنار آثارش همچون پرنده‌ای، بر شاخ و برگ اسلیمی‌ها و ختایی است؛ آثاری که شاهدان عینی گذران شصت و هفت بهار زندگی او هستند.

ذهنش از بگومگوهای کلیشه‌ای و تعریف و تمجیدهای متداول ژورنالیستی خالی است. از نقل خبر - مصاحبه عکس و تفصیلات چندان خوشحال و راضی نمی‌شود. هرگز لب به شکوه و شکایت نمی‌گشاید و سخنی از کج خلقی نامردمان روزگار بمیان نمی‌آورد.

آشنایی با هنرمند

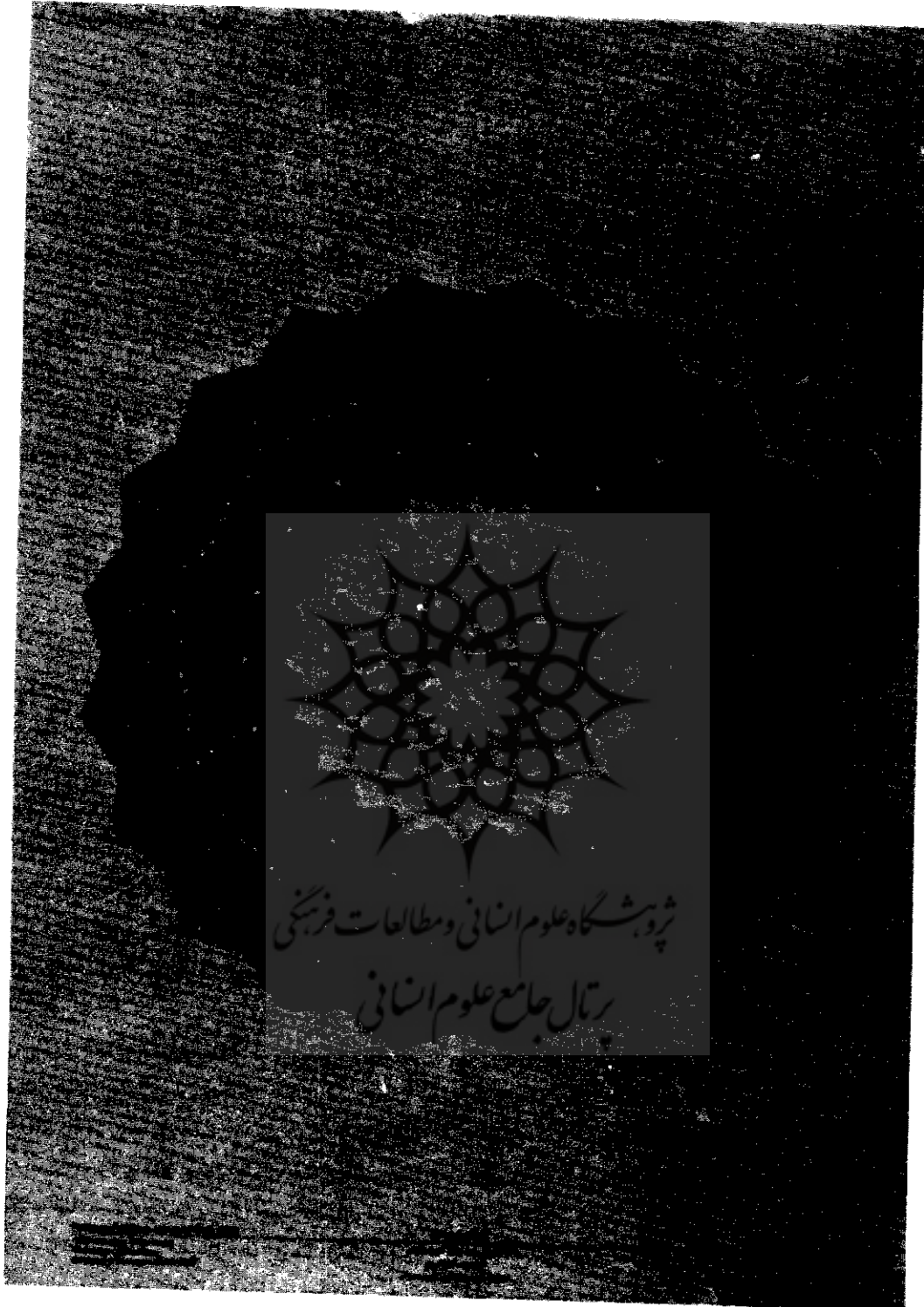
کلارا - آبکار (آبکار)، هنرمندی که شصت و هفت بهار زندگی را پشت سر گذاشته، در تهران، میان خانواده‌ای از ارامنه اصفهان دیده به جهان گشود. عشق و علاقه به هنر را از خردسالی در روح خویش احساس کرد. دوران دبستان و سه سال اول دبیرستان را به خاطر داشتن آموزگاران خوب و دلسوز در درس هنری، از عوامل عمده در آمادگی، تقویت و تجهیز اندیشه هنری خود میدانند. و بویژه، یاد معلم نقاشی دوره متوسطه، مارکارقرا بگیان (از شاگردان کمال الملک) را فراموش نمی‌کند.

پس از اتمام سال سوم متوسطه، در مدرسه ارامنه تهران با راهنمایی یکی از بستگانش به هنرستان دختران آن زمان راه می‌یابد (سال ۱۳۱۴ شمسی). از ابتدای هنرآموزی در رشته مینیاتور و تذهیب، افتخار حضور در مکتب اساتید برجسته و زبده‌ای چون شادروان استاد هادیخان تجویدی، هنرمند یگانه آن روزها در نگارگری (مینیاتور)، و زنده یاد استاد میرزاعلی - درودی از

بزرگان رشته تذهیب، نصیب وی گردید.

در سال ۱۳۱۷ شمسی، خانم آبکار دیلم رشته مینیاتور را با گواهی استاد طاهرزاده بهزاد، هادیخان تجویدی و علی درودی، از هنرستان نسوان یا بانوان، وابسته به اداره آموزش وزارت پیشه و هنر دریافت نموده و متعاقب آن به هنرستان عالی هنرهای زیبا راه یافت. و این سرآغاز شکوفایی هنرمند محسوب میشود. زیرا در این مرحله، از دریای بیکران خلاقیت هنری اساتید برجسته‌ای همچون شادروان استاد مقیمی تبریزی (از اساتید صاحب سبک در نگارگری معاصر که در سال ۱۳۴۸ شمسی دیده از جهان فروبست)، استاد زاویه (هنرمند مسلم مینیاتور) و شادروان نصرت الله یوسفی و عبدالله باقری (اساتید تذهیب و نقش قالی)، بهره‌ها گرفت و همزمان با پشتکار و علاقه، از محضر استاد حسین کاشی تراش در زمینه طرح و رسم گره (گره چینی) توشه اندوخت و به بینش هنری خود افزود. پس از سه سال تلاش شبانه‌روزی، در ۱۳۲۰ شمسی، وزارت پیشه و هنر، گواهینامه یا هنرنامه مینیاتورساز درجه یک را به ایشان اعطا نمود و بعنوان شاگرد اول مینیاتور و تذهیب، هنرستان عالی هنرهای زیبا را به پایان رسانید.

در پی هفده سال کار و تلاش بی وقفه در زمینه تذهیب و مینیاتور و نقش گره، سرانجام بسال ۱۳۳۷ شمسی ارزش تحصیلات ایشان در رشته هنرهای زیبا قسمت «مینیاتور»، معادل لیسانس شناخته شده و عاقبت در سال ۱۳۵۳، پس از چهل سال کار هنرمندانه در بخشهای مختلف هنرهای زیبا و فرهنگ و هنر سابق، از خدمات دولتی بازنشسته شد. نقطه نظر استاد در مورد بازنشستگی هنرمندان، می‌تواند بعنوان طرحی سازنده مورد توجه مسئولین قرار گیرد؛ او بر این اعتقاد است که برای هنرمندان نباید چون دیگر کارکنان دولت «بازنشستگی» وجود داشته باشد. زیرا درست در زمانی که یک هنرمند با دنیایی از تجربه و ذوق در اوج



نقش گره و تذهیب

شکوفائی می‌تواند به آفرینش هنری پردازد، ابلاغ خانه نشینی به او میدهند.

آثار هنری استاد در زمینه مینیاتور و تذهیب و نقش گره، بی‌تردید در ردیف بهترین آثار هنری پنجاه ساله اخیر به شمار می‌آیند. برخی تابلوهای ایشان تا کنون در چندین نمایشگاه گروهی داخلی و خارجی بعنوان آثار برتر مورد توجه بینندگان قرار گرفته. طرح سیمرخ استاد در مسابقه کریستال که توسط کارل پوپ از شاگردان پرفسور پوپ در تهران ترتیب یافت، بعنوان بهترین طرح، برنده مسابقه شناخته شد.

کلارا - آیکار از هنرمندانی است که عمیقاً دلباخته هنرهای سنتی و اسلامی ایران زمین بوده و دقیقه‌ای از تکاپو در راه اعتلای این هنرها باز نایستاده است. نزدیک یکصد تابلو مینیاتور - ده‌ها جلد آلبوم تذهیب و مینیاتور، صدها طرح و نقش «گره»، و بی‌شمار طرح پارچه و لباس که بخشی از آنها در موزه‌های مردم‌شناسی و رضا عباسی موجود می‌باشند، حاصل سالیان سال زحمت و کوشش بی‌وقفه هنرمند در راه احیاء ارزشها و سنتهای اصیل هنری است که جملگی از قدر و منزلت معنوی استاد حکایت دارند؛ آثاری که تمامی احساس و اندیشه هنری و رویاهای زندگی او را در خود نمایان می‌سازند. از همین رو، استاد هرگز به خود و دیگران اجازه نمی‌دهد که ارزش مادی برای آنها قائل باشند. کلارا آیکار شیفته هنر است و با روحی سرشار از شور زندگی هنری، در کنار آثارش که یاران و دوستان وفادار او هستند، روزگار میگذرانند. آیکار، رها از هرگونه شهرت طلبی و جنجال، تنها با هنرش به زندگی نشسته است.

شیوه نقاشی

با مروری بر تابلوهای مینیاتور خانم آیکار، که برخی بر روی عاج، و بعضی بر بوم و مقوا و تعدادی بر جلد آلبوم، (نقاشی زیرلاکی یا روغنی)، ساخته و پرداخته شده‌اند، بیننده به چشم انداز زیبایی از دوشیوه

کاملاً تمایز و قابل بحث در فضای نگارگری ایران دست می‌یابد. سبک و روش آغازین هنرمند در ساخت مینیاتور، دیدگاهی سنتی و حاکی از تداوم ویژگیهای ناب هنر نگارگری ایران است؛ بعبارت دیگر، او از اصول و موازین و قالبهای شناخته شده‌ای در این مرحله سود جسته است که جوهر اصلی پویایی نقاشی ایرانی، در طی قرون محسوب میشوند.

در طرح و رنگ این آثار که نمایانگر دوره نخستین و سبک اولیه هنرمند در نقاشی می‌باشند، خانم آیکار با قدرت و تسلط فوق‌العاده به بازآفرینی شاهکارهای نقاشان قرون نهم و دهم هجری، (سبک هرات و بویژه مکتب مینیاتور صفوی) می‌پردازد. در اجرای این مهم، او با حفظ شیوه‌های نگارگری دوره صفوی و بکارگیری تمامی تکنیکهای فنی و تجربی آن، از جمله انتخاب مضامین ادبیات کلاسیک، رعایت اصول پرسپکتیو (دورنمایی - بعد نمایی) از نوع رنگ و خط و طبقه‌بندی بجای پرسپکتیو علمی جدید، استفاده از رنگهای معدنی و گیاهی (سنتی) به ساختن مینیاتور پرداخته است.

در این روش، استاد چه با اجرای طرحهای مستقل و چه از طریق کپی کردن آثار مشهور نام‌آوران همچون آقامیرک و سلطان محمد، شکوه و عظمت قلم آن بزرگواران را با درخشش تابناک رنگهای طبیعی و قدرت قلمی تحسین برانگیز تجدید نموده است.